

## مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با توجه به تجربیات دوران دفاع مقدس

حسین علایی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۰۵

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

صفحات مقاله: ۹ - ۴۱

### چکیده:

با گذشت ۳۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و گذر از دوره‌های گوناگون جنگ، بازسازی اقتصادی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، هم‌اکنون مسأله‌ی مهم و کلان کشور اندیشیدن در مورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو و نیل به پیشرفت و تعالی می‌باشد. بر اساس هدف‌گذاری سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده است، جمهوری اسلامی ایران باید ظرف مدت ۲۰ سال و در سال ۱۴۰۴ به جایگاه اول اقتصادی - علمی کشورهای منطقه دست یابد (متن مصوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله). تاکنون حدود ۶ سال از زمان تصویب این سند بالادستی و مهم که بنابر نظر کارشناسان از لحاظ اجرایی دست‌یافتنی است، گذشته و ایران در بعضی از حوزه‌ها و مؤلفه‌های پیشرفت با توجه به شاخص‌های مربوطه به هر بخش عملکرد قابل قبولی نداشته است. این در حالی است که در این سال‌ها بعضی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و جنوب غرب آسیا، توسعه‌ی شتابان و چشم‌گیری را پشت سر گذاشته و در بسیاری از حوزه‌ها از جمله، رفاه شهروندان و پیشرفت اقتصادی از ایران جلو افتاده‌اند. بنابراین، جبران دور شدن از اهداف سند چشم‌انداز و نیز فائق آمدن بر عقب‌ماندگی تاریخی، همت و تلاش مضاعفی را از سوی آحاد ملت و نیز دستگاه‌های دولتی می‌طلبد. تدوین الگوی بومی پیشرفت کشور که چگونگی نیل به آن را توصیف می‌نماید، می‌تواند تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی را به سوی این هدف اصلی و مهم سوق دهد. این مقاله با عنایت به تجربیات موفق دوران جنگ تحمیلی، مؤلفه‌ها و عواملی که می‌تواند در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد توجه و تأکید قرار گیرد را بر می‌شمارد.

\* \* \* \* \*

<sup>۱</sup> - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

## واژگان کلیدی

پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی، شاخص، فرهنگ، توسعه، دفاع مقدس، ارزش، عقب ماندگی، عدالت.

## مقدمه

انتظاری که مردم و ملت‌ها در همه‌ی جوامع بشری، از حاکمان، کارگزاران و دولت‌های خود دارند، فراهم آوردن بستر و فضایی است که در آن انسان‌ها بتوانند زندگی توأم با آرامش و معنویت و همراه با رفاه را در سایه‌ی عدالت سپری کنند. دولت‌های مردمی نیز به هنگام تلاش و رقابت برای به‌دست گرفتن قدرت سیاسی به ولی‌نمندان خود قول می‌دهند که تمام هم‌خود را برای رسیدن به چنین اهدافی به‌کار گیرند. در سراسر جهان همیشه ملت‌ها و دولت‌ها از لزوم توجه به پیشرفت و عدالت و ایجاد مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر خود دم می‌زنند. زیرا مهم‌ترین نیاز بشر برای تداوم حیات و زندگی راحت و برپایی دنیایی که به تعبیر اسلام مزرعه‌ی آخرت است (ارشادالقلوب، جلد اول: ۸۹) رسیدن به پیشرفتی توأم با عدالت و معنویت است که می‌تواند حیاتی طیبه و زیستنی پاکیزه را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. اما چرا علی‌رغم این همه خواستن‌ها، هم‌چنان اکثر جوامع بشری در حسرت پیشرفت و عدالت عمر خویش را به آخر می‌برند؟ چه گام‌هایی باید برداشته شود تا جریان پیشرفت به‌عنوان روندی پیوسته و مستمر در کشورها پدیدار شود. به نظر می‌رسد که اولین گام برای حرکت به سمت پیشرفت، درک «میزان عقب‌ماندگی» جامعه و تدوین «شاخص‌های پیشرفت» است. اگر مردم به وضع موجود و شرایط خود راضی باشند و خود را ملتی پیشرفته و سرآمد دیگران بدانند، ناگزیر دچار سکون شده و در همه چیز درجا خواهند زد. بنابراین، باید با «مقایسه دائمی خود با سایر ملت‌ها» و «اهداف تعیین‌شده‌ی» مورد نظر و نیز «مشخص کردن فاصله‌ی کشور با سایر جوامع»، انگیزه‌ی حرکت به سمت جلو را در بین آحاد ملت فراهم آورد. وقتی معضلات اداره‌ی جامعه مشخص و ملموس گردد، همه‌ی دست‌اندرکاران به فکر چاره خواهند افتاد که چه اقداماتی را انجام دهند تا به رفع نارسائی‌ها کمک کند. پس گام اول، پذیرش اشکالات، قبول نقص‌ها و بیان عقب‌ماندگی‌هاست. دولت‌ها بایستی فضایی را در جامعه فراهم کنند که در اذهان جامعه، بیان واقعیت‌ها به‌عنوان سیاه‌نمایی تلقی نگردد و حتی از آن

استقبال گردد. گام دوم استفاده از تجربیات موفق بشری در امور مختلف در سطح جهان و در طول تاریخ است. بررسی دلایل پیروزی در بعضی از مقاطع دوران جنگ تحمیلی سرمایه‌ی ارزشمندی برای استفاده از این تجربه گرانسنگ در سازندگی کشور و حرکت به سمت پیشرفت است. این مقاله در پی بررسی این موضوع با توجه به تجارب دوران دفاع مقدس است. بدیهی است که دستیابی به الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یک سند بالادستی نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای کشور از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله و یا سایر اسناد سیاست‌گذاری‌های کلان کشور خواهد شد. با تدوین این سند، سیاست‌های کلان کشور از این الگو پیروی کرده و بر مبنای این الگو ارائه خواهدگردید. طبیعی است از آنجاکه پیشرفت یک امر نسبی است و در قیاس با روند گذشته‌ی کشور و نیز در مقایسه با پیشرفت‌های انجام شده در سایر کشورها صورت می‌گیرد؛ بنابراین، با تغییر وضعیت و بر حسب شرایط گوناگون محیطی، لازم است در این سند که به صورت منعطف تهیه می‌شود تغییراتی صورت گیرد و در نهایت به طور مرتب با گذشت زمان حک و اصلاح شود.

#### بیان مسأله

این تحقیق در پی آن است تا با در نظر گرفتن ظرفیت‌های ملی و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی به تجربیات موفقیت‌آمیز دوران دفاع مقدس، نشان دهد که چه مؤلفه‌هایی بر تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مؤثر هستند. دوران دفاع مقدس سرشار از تجربه‌های ارزشمندی است که استخراج عوامل برترساز قوای ایران می‌تواند به عنوان مؤلفه‌هایی مناسب بر تدوین الگوی پیشرفت بومی کمک نماید. بر همین اساس، در این مطالعه عوامل موفقیت ایران در قالب الگویی ارائه می‌گردد. به‌طور طبیعی الگوی پیشرفت بایستی مبتنی بر مکتب اسلام و در محیط ایران تدوین گردد تا بتوان از آن برای رشد و تعالی کشور بهره برد و پیشرفتی منطبق با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کرد. منظور از اسلامی آن است که پیشرفت بر مبنای نظری و فلسفی اسلام و مبنای انسان‌شناختی مکتب اسلام استوار باشد و اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های انجام کار از دیدگاه اسلام سرچشمه و نشئت بگیرد. پس تکیه‌ی اصلی بر مفاهیم و معارف اسلامی است که در قرآن،

سنت، فلسفه، کلام، فقه و حقوق اسلامی وجود دارد. منظور از ایرانی هم آن است که این الگو به وسیله‌ی متفکران ایرانی و در محیط جغرافیایی ایران تدوین و به کار گرفته شود و از دیگران و سایر ملل اخذ نمی‌شود. واضح است که الگوهای غربی توسعه، الزاماً نسخه‌ی مناسبی برای پیشرفت ایران محسوب نمی‌گردند و باید به دنبال الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت بود. الگوی مزبور باید بتواند آینده‌ای متناسب با سند چشم‌انداز، هدف‌های ملی و امکانات کشور ترسیم نماید. این امر در گرو آینده‌پژوهی، آینده‌شناسی و آینده‌سازی است. (Marien, Michael, 2002)

بنابراین، مسأله‌ی مهم این است که چگونه کشور باید به سمت پیشرفت حرکت کند و رشد و تعالی در حوزه‌های گوناگون چگونه باید اتفاق بیفتد.

#### ضرورت و اهمیت پژوهش

انجام انبوهی از تحقیقات و مطالعه‌های مربوط به علل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و نیز ارائه انواع الگوهای دستیابی به توسعه و پیشرفت در دهه‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی اقبال عمومی پژوهشگران به این موضوع و اهمیت آن می‌باشد. بررسی‌ها و مطالعه‌های محققین نشان داده است که مشکل اساسی جوامع در حال توسعه، نداشتن الگویی مناسب برای خروج از عقب‌ماندگی و حرکت شتابان به سوی پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است. اگر فرایند ایجاد یک جامعه‌ی پیشرفته را شامل «تشخیص علل عقب‌ماندگی» و سپس «لزوم تدوین الگوی مناسب پیشرفت» بدانیم، علاوه بر اهمیت انجام مطالعه‌های آسیب‌شناسانه، ضرورت تدوین سیاست‌ها و تعیین الگوهای منطبق بر شرایط داخلی و بومی که به‌طور کامل آشکار خواهد شد. از سوی دیگر جهانی شدن و گسترش ارتباطات مردم جهان با یکدیگر از طریق شبکه‌های مدرن اطلاع‌رسانی اینترنتی و ماهواره‌ای، امکان مقایسه‌ی وضعیت زندگی مردم کشورهای مختلف با یکدیگر را برای آنها فراهم آورده است و شهروندان اکثر کشورها به دنبال رسیدن به شرایطی بهتر در تکاپو هستند. عدم توجه دولتمردان به مسأله‌ی پیشرفت در حوزه‌های مختلف از جمله، شیوه‌ی کشورداری و رفاه شهروندان می‌تواند برای آنها پیامدهای امنیتی نیز به‌بار آورد.

### روش، نوع و هدف تحقیق

این تحقیق از نوع توسعه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است و ضمن پرداختن اجمالی به مبانی شکل‌گیری روند پیشرفت و عوامل لازم در این زمینه، سعی در شناخت علل موفقیت‌های ایران در بیرون راندن ارتش متجاوز در دوران جنگ تحمیلی به منظور بهره‌برداری از آنها در جهت تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دارد. این پژوهش به دنبال تبیین مؤلفه‌های ضروری در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سطح ملی است تا در مسیر حرکت کشور به سمت جلو و نیل به پیشرفت از سوی دولت‌های با طرز تفکرها و گرایش‌های مختلف، اقدامات ضد و نقیض و حرکت‌های سینوسی در اداره‌ی کشور صورت نگیرد. نکته‌ای که در متن این تحقیق حائز اهمیت می‌باشد، منطبق استنباط آن است. نویسنده صرفاً به متون مکتوب و کتابخانه‌ای اکتفا نکرده است، بلکه با حضور در جلسات متعدد مربوط به این موضوع و نیز بحث و گفتگو با تعدادی از اندیشمندان این حوزه، به اطلاعات تحلیلی و استنتاجی فراوانی دست یافته است.

### مفهوم الگو، پیشرفت و توسعه

برای تدوین و یا طراحی الگوی پیشرفت، نیاز به تعریف عملیاتی واژه‌هایی مانند پیشرفت، الگو و توسعه است تا اشتراک لفظی استعمال این واژه‌ها موجب برداشت‌های متفاوت از آنها نگردد. یکی از تعاریف واژه‌ی الگو<sup>۱</sup> به مفهوم نقشه، طرح و خط راهنما می‌باشد و مشخص می‌سازد که از چه نقطه‌ای باید آغاز نمود و به کجا باید رفت. هم‌چنین الگو می‌تواند از جنس یک نظریه‌ی بزرگ باشد که در این صورت الگو با قواعد، قوانین و شناخت سر و کار دارد و به مفهوم تبیین روابط بین آنهاست. در بعضی از متون، الگو به مفهوم منشور هم به کار رفته است که در این صورت نه نظریه است و نه طرح و نقشه بلکه به مفهوم دکترین است که ایجاد بینش می‌کند و یک چارچوب ارزشی را تعیین می‌نماید. الگو می‌تواند یک تصویر از آنچه باید اتفاق افتد را نیز ارائه دهد و روایتی از پیشرفت را بیان نماید. از دیدگاه اسلامی، الگو به مفهوم اسوه است. در قرآن کریم می‌فرماید: «لقد

1- Pattern

كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيرا» (سوره‌ی احزاب، آیه ۲۱). یعنی به‌طور قطع برای شما در رفتار رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. بنابراین، الگو، طرحی ذهنی از نقشه‌ی راهی است که جامعه را به سوی مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر رهنمون می‌سازد. امتیاز استفاده از الگو این است که می‌توان پدیده‌های پیچیده را به صورت بسیار ساده‌تر و در عین حال با دقت و صحت لازم ارائه داد (صادقپور، ۱۳۷۱: ۱۷۳).

گرچه لغت پیشرفت مفهوم روشنی دارد، اما از واژه‌ی پیشرفت تعاریف مختلفی ارائه شده است. برخی از اندیشمندان مفهوم پیشرفت و توسعه را یکی دانسته‌اند. مفهوم توسعه، بار ارزشی و معنایی و التزامات خاص خود را دارد و واژه‌ی معروفی در متون اقتصادی بین‌المللی است که با مختصات و شاخص‌های معینی شناخته شده است. پیش فرض اساسی توسعه، نگاه اومانستی به انسان است. در جهان‌بینی توسعه، جهان به زندگی دنیایی محدود گردیده است. کلمه‌ی پیشرفت در فرهنگ اسلامی مفهومی متفاوت از واژه‌ی توسعه در نظام واژگان غرب دارد. در پیشرفت، معنویت تراز عمل و ملاک سنجش امور است و فرهنگ اسلامی مبنای اساسی و اصولی پیشرفت می‌باشد. پیشرفت<sup>۱</sup> به مفهوم ترقی و رشد همه‌جانبه‌ی کیفی جهت رسیدن به جامعه‌ی مطلوب و مورد نظر است که توأم با معنویت و متکی بر فرهنگ، توسعه یافته است. عرصه‌های اساسی پیشرفت در چهار حوزه‌ی «تفکر و اندیشه‌ورزی»، «علم و نوآوری‌های علمی»، «معنویت» و «زندگی توأم با امنیت و عدالت و رفاه در سایه‌ی حکومت مردمی»، قابل تقسیم‌بندی و برنامه‌ریزی است. برای طراحی الگوی پیشرفت باید نگاه اسلام به انسان مشخص گردد و از هستی‌شناسی باید آغاز نمود. اعتقاد به مبدأ و معاد و محور بودن انسان و تلاش برای قیام به قسط در جامعه‌ی اسلامی از ملزومات تدوین الگوی پیشرفت است. در دیدگاه اسلامی انسان «خلیفه‌الله» است. یعنی انسان دارای خصلت‌هایی از جمله خلاقیت است که می‌تواند «خلیفه‌الله» باشد. خداوند می‌فرماید: «و اذ قال للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن

1- Progress

نسیح بحمدک و نقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون» (قرآن مجید، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰). یعنی و آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت. گفتند آیا در آن مخلوقی قرار می‌دهی که تباهی کند و خون‌ها بریزد حال آن که ما تو را به پاکی می‌ستاییم و تقدیست می‌کنیم. گفت من آن را می‌دانم که شما نمی‌دانید. از سوی دیگر، برعکس واژه‌ی توسعه - که دارای شاخص‌های تعریف‌شده‌ی بین‌المللی است - در ادبیات مربوط به پیشرفت، شاخص‌های مربوطه به صورت جهان‌شمول و قابل اندازه‌گیری تهیه نشده است و در بعضی از فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ آریانپور هر دو واژه تقریباً به یک مفهوم تعریف شده است. (فرهنگ آریانپور: ۵۸۸ و ۱۷۳۲)

توسعه<sup>۱</sup> در لغت به معنای گسترش دادن و به مفهوم رشد کمی و انبساطی است که بیشتر برای حوزه‌ی اقتصاد به کار می‌رود. مایکل تودارو توسعه را جریانی چندبعدی و به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر می‌داند. (تودارو، ۱۳۶۹: ۲۳) مرحوم دکتر حسین عظیمی توسعه را فرایندی می‌داند که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سستی به وضعیت مدرن با ابزارهای پیشرفته‌ی جدید متحول می‌شوند و انسان‌ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب می‌کنند و روند انباشت و به‌کارگیری سرمایه در جامعه در الگویی متناسب با فرایند توسعه‌ی اقتصادی قرار می‌گیرد که همراه با مدیریتی کارا و با ثبات تحقق می‌یابد (عظیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۴ - ۱۸۰). توسعه از منظر سازمان ملل فرایندی است که تلاش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متحد و مردم این مناطق را به‌طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می‌سازد. (موسایی، ۱۳۸۰) البته در جهان امروز مردم و دولت‌های هوادار محیط زیست به دنبال توسعه‌ی پایدار هستند. توسعه‌ی پایدار توسعه‌ای است که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود برآورده کند (فراهانی فرد، ۱۳۸۴). بنابراین، می‌توان گفت که الگوهای

1- Development

توسعه، انسان‌ها را به ثروت و قدرت می‌رساند، ولی الگوی پیشرفت، ارزش‌های انسانی و معنوی و عدالت را در جامعه‌ای که باید ثروتمند و مرفه باشد به‌وجود آورده و ترویج می‌کند.

### مؤلفه‌های تأثیرگذار بر موفقیت‌های دوران دفاع مقدس

پیروزی انقلاب اسلامی ظرفیت عظیمی را برای پیشرفت جامعه‌ی ایران ایجاد نمود که مهم‌ترین آنها برچیدن مانع اصلی و اساسی پیشرفت یعنی استبداد و وابستگی دولت شاهنشاهی به بیگانه بود. تشکیل جمهوری اسلامی با آرای مردم، امکان شکوفایی استعدادهای آحاد ملت را فراهم آورد. اما بروز جنگ موجب شد که توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ملی جهت دفع تجاوز، حفظ تمامیت ارضی کشور و حماسه‌آفرینی‌های بی‌نظیر در دوران مقدس صرف گردد. بنابراین، دوران جنگ تجربه‌ی عظیمی از ظهور پیشرفت‌ها در صحنه‌ی عملیات و توسعه‌ی توانمندی‌های نظامی است که می‌تواند، به‌عنوان تجربه‌ای ارزشمند برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد. دوران جنگ، آمیخته‌ای از موفقیت‌ها و شکست‌ها بوده است که هر کدام از آنها درس‌ها، آموزه‌ها و تجربیات مفیدی را پیش روی فراگیران قرار می‌دهد. در این‌جا برخی از دستاوردهای قابل استفاده جهت تدوین الگوی پیشرفت ذکر می‌گردد. تجربه‌ی دوران جنگ نشان داده است که هرگاه به‌طور کامل از روش‌های علمی برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌ها استفاده شده است موفقیت‌های چشمگیری حاصل شده است و هرگاه به هر دلیلی از به‌کارگیری اصول جنگ فاصله گرفته شده است، تلاش‌ها قرین موفقیت نبوده است. با مراجعه به فرماندهان و دست‌اندرکاران طرح‌ریزی‌های عملیات‌های دوران جنگ و نیز متخصصان و خبرگان نظامی و همچنین مطالعه بر روی تمام عملیات‌های انجام شده در دوران دفاع مقدس، پیروزی در جبهه‌ها مرهون توجه به پنج مؤلفه‌ی اساسی و بنیادی به شرح ذیل بوده است.

#### ۱) مقاومت‌های مردم، رزمندگان داوطلب به همراه ایمان، انگیزه و روحیه‌ی ایثارگری

مقاومت‌های مردم و حضور فوری رزمندگان داوطلب از عوامل اصلی ناکامی ارتش عراق در رسیدن به اهداف خود در روزهای اول جنگ بوده است. برای مثال، می‌توان به مقاومت مردم خرمشهر و رزمندگان مدافع این شهر در بدو تهاجم ارتش عراق به ایران اشاره نمود. ارتش عراق



در نظر داشت این شهر را با یک گردان نیروی مخصوص و ظرف چند روز به تصرف خود درآورد. اما مقاومت ۳۴ روزه رزمندگان داوطلب از سراسر ایران و حماسه‌آفرینی‌های مردم این شهر موجب شد تا ارتش عراق در طی یک مدت زمان به نسبت طولانی و با تلفات زیاد و با اعزام نیروهای بیشتری به استعداد یک لشکر خرمشهر را در ۴ آبان ۱۳۵۹ به تصرف درآورد. این مقاومت باعث جلوگیری از پیشروی سریع ارتش عراق و دستیابی به اهداف مورد نظر گردید (رشید، ۱۳۷۵: ۲۵ - ۳۵). مثال دوم مربوط به پیشروی ارتش عراق در اوایل مهر ماه ۱۳۵۹ و اشغال شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه می‌شود. دشمن پس از اشغال شهر حمیدیه در آستانه‌ی انجام عملیات برای رسیدن به شهر اهواز بود که تعداد معدودی از نیروهای مردمی شجاع به فرماندهی علی غیور اصلی در ۹ مهرماه ۱۳۵۹ به قوای دشمن شیبخون زدند و موجب فرار ارتش عراق تا آن سوی سوسنگرد شدند. (حیابی، ۱۳۸۴: ۴۶) گرچه ساعاتی بعد غیور اصلی خود در سانحه‌ی تصادف به شهادت رسید، اما این جانفشانی رزمندگان داوطلب، راهبرد ارتش عراق برای تصرف سریع سرزمین‌های ایران را به هم ریخت. در ادامه‌ی جنگ نیز بار اصلی بیرون راندن ارتش متجاوز از سرزمین‌های ایران را رزمندگان با ایمان و داوطلب بسیجی، سپاهی، جهادی و ارتشی بر عهده داشتند. امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این باره می‌فرماید: «رزمندگان ما در دنیای اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند» (صحیفه امام، جلد ۲۱، ۱۳۷۸: ۶۸ - ۶۹). هم‌چنین ایشان می‌فرمایند: «وقتی شما مجهز باشید به جهاز ایمان و آن ایمان شما را وادار کند که به سلاح‌های مشابه سلاح طرفتان مجهز باشید یا مثل چیزهایی که در اینجاها امکان دارد، آن پشوانه‌ی ایمان است که شما را پیروز می‌کند. توجه به خدای تبارک و تعالی و مبدأ قدرت است که شما را پیروز می‌کند» (صحیفه امام، جلد ۱۲، ۱۳۷۸: ۲۴۲). امام «همه‌ی این موفقیت‌ها را در صحنه‌های سیاسی و نظامی، رهین همت مردم و استقامت رزمندگان» می‌دانستند. (صحیفه امام، جلد ۲۰، ۱۳۷۸: ۳۲) سردار غلامعلی رشید هم در این باره می‌گوید: «نقطه‌ی قوت ما، فرماندهان و رزمندگان ما بودند. انسان‌هایی صادق با ایمان و با دل‌ها و روح‌های بزرگ، شجاع و با تدبیر و هوشمند و امیدوار به خدا» (رشید، ۱۳۸۶: ۳۹).

## ۲) وجود اراده‌ی جنگیدن و تسلیم نشدن در مقابل دشمن و تصمیم‌گیری‌های به‌موقع

از دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> چون صدام بدون یک عذر موجهی به ایران هجوم کرد؛ بنابراین، «بر همه‌ی دولت‌های اسلامی به نص قرآن واجب است که مقاتله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و به امر خدا» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۶ و ۲۷۵) ایشان در ۱۳۵۹/۸/۱۶ می‌فرمایند: «ما راضی به جنگ نبودیم و نیستیم، لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خرد می‌کنیم. ایشان در ادامه می‌فرماید: «دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی، دفاع واجب است و ما به حسب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳۴۰ و ۳۴۱). این سخنان که مبنای تصمیم‌گیری ایشان برای تسلیم نشدن در برابر اراده‌ی دشمن بود باعث شد که مردم و نیروهای مسلح تکلیف خود را بدانند و تا بیرون راندن آخرین سرباز ارتش متجاوز به دفاع در برابر ارتش عراق بپردازند. مقطع مهم دیگر تصمیم‌گیری امام خمینی<sup>(ره)</sup> در زمانی بود که در تیرماه سال ۱۳۶۷ احساس کردند ادامه‌ی جنگ بی‌فایده است و با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل به جنگ خاتمه دادند. ایشان خود در این باره می‌فرمایند: «تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۹۲ - ۹۶).

## ۳) مطالعه و بررسی بر روی استعداد، آرایش و تاکتیک‌های دشمن و برنامه‌ریزی جهت فائق

### آمدن بر توانایی‌های خصم و ابتکار عمل در طرح‌ریزی‌های مانور

شیوه‌ی طرح‌ریزی همه‌ی عملیات‌ها، بررسی وضعیت جوی در زمان برنامه‌ریزی شده برای درگیری و اثر آن بر توانایی‌های خودی و دشمن، مطالعه بر روی جغرافیای زمین عملیات و تهیه‌ی برآورد اطلاعاتی از توانایی‌ها و نقاط ضعف دشمن و سپس طرح‌ریزی مانور با توجه به مطالعات فوق و نقاط قوت نیروهای خودی بود. برای مثال، سردار غلامعلی رشید در سخنرانی خود درباره‌ی فتح خرمشهر می‌گوید: «در خیلی از عملیات که ما شکست خوردیم از عدم شناخت ما نسبت به دشمن بود». (رشید، ۱۳۸۶: ۳۵) وی در مورد دلایل انجام عملیات‌های موفق در سال دوم جنگ می‌گوید: «بهره‌گیری از همه‌ی امکانات و منابع و اعتماد به نفس و خلاقیت و شناخت دقیق از

دشمن و انطباق واقعیات، ویژگی‌های راهبرد ما در سال دوم جنگ بود» (رشید، ۱۳۸۶: ۳۷) وی ادامه می‌دهد: «من شهادت می‌دهم والله فرماندهان ما نه ماجراجو بودند و نه توهم داشتند و نه بدون کار و بررسی و طراحی و شناسایی عمیق و بحث‌های فراوان و تفکر، همین‌طوری خشک و خالی بر خدا توکل کنند و توسل پیدا کنند نه والله این‌طور نبود. ماه‌ها برای دو عملیات فتح المبین و بیت‌المقدس کار صورت گرفت» (رشید، ۱۳۸۶: ۴۰ - ۳۹).

#### ۴) ساختار و سازماندهی مناسب و انعطاف‌پذیر با توجه به برنامه‌ی هر عملیات و فرماندهی و هدایت درست رزمندگان در حین اجرای هر عملیات

هر عملیاتی در دوران جنگ، سازماندهی متناسب با طرح مانور مخصوص به خود را می‌طلبید. برای مثال، در عملیات خیبر، تکیه بر یگان دریایی جهت تدارک نیروها بود در حالی که در عملیات فاو تکیه بر انبوه غواصان جهت شکستن خط اول دشمن بود. رزمندگان این انعطاف را در سازمان خود فراهم کرده بودند تا متناسب با هر شرایطی ساختار جدیدی را طراحی کرده و سازمان برای رزم مناسبی را پدید آورند.

دوران دفاع مقدس، توانست شرایطی را فراهم کند تا سازمان مناسبی که متناسب با نیازهای جبهه‌های جنگ باشد، به مرور زمان از سوی فرماندهان سپاه و با همت رزمندگان بسیجی و در ظرف سازمانی سپاه به وجود آید. از سوی دیگر، بنیه‌ی تجهیزاتی و تدارکاتی ارتش که از زمان رژیم گذشته باقی مانده بود، توانست با سازماندهی مجدد در خدمت دفاع از کشور قرار گیرد. علاوه بر این، فرماندهان جنگ توانستند با تشکیل نهادهای رزمی جدید و ترکیب آنها با استعداد و قوت‌های ارتش، گروه‌های رزمی مناسبی را پدید آورده و طرح‌های بزرگ عملیاتی سرنوشت‌ساز را برنامه‌ریزی و به مرحله‌ی اجرا درآورند. در حین جنگ، افزایش قدرت نظامی و توسعه‌ی سازمان جنگی از دغدغه‌های فرماندهان حاضر در صحنه‌ی نبرد بود.

#### ۵) به‌کارگیری درست و تأمین تجهیزات، تسلیحات و مهمات مورد نیاز

در جنگ نمی‌توان بدون سلاح و تجهیزات لازم جنگید، ولی گاهی تسلیحات فراوانی وجود دارد ولی به‌کارگیری آنها به درستی صورت نمی‌گیرد. در هر صحنه‌ی عملیاتی جبهه که برخوردار

از فرماندهی با ایمان، فکور، با تدبیر و هوشمندتر باشد، او می‌تواند به بهترین شکلی از امکانات استفاده کند. البته بهره‌گیری از امکانات و منابع در چاقوب یک راهبرد صحیح می‌تواند موجب موفقیت گردد. در پایان جنگ وقتی فرماندهی سپاه طی نامه‌ای نیازمندی‌ها و ملزومات مورد نیاز برای ادامه‌ی جنگ را اعلام نمود، امام خمینی<sup>(ره)</sup> در نامه‌ی مورخ ۱۳۶۷/۴/۲۵ که پس از آن قطعنامه‌ی ۵۹۸ پذیرفته شد، درباره‌ی لزوم داشتن تجهیزات جنگی مرقوم می‌فرمایند: «این فرمانده مهم‌ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه‌ی به‌موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به‌نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد خود عمل کنند. البته با ذکر این مطالب می‌گویند باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳) یعنی از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> هم تدارکات و تجهیزات لازم باید برای رزمندگان فراهم گردد تا بتوان بر دشمن غلبه پیدا کرد.

طبیعی است که وزن مؤلفه‌های فوق در هر عملیات و در مناطق مختلف جبهه‌ها متفاوت بوده است. ولی در هر صورت نقش نیروی انسانی داوطلب و با روحیه و پراکنگیزه و دارای دانش و مهارت لازم در هر شرایطی مهم‌ترین نقش را در پیروزی‌ها ایفا کرده است و در زمانی هم که شکست روحی اتفاق افتاده است و استقامت رزمندگان فرو ریخته است کار چندانی از سایر مؤلفه‌ها بر نیامده است. با توجه به نکات فوق می‌توان مدل مفهومی زیر را برای درک بهتر موضوع ارائه داد. شاید تقدیم مدل زیر برای درک چگونگی نیل به پیروزی در عملیات‌ها بتواند به محققین کمک کند.



شکل شماره ۱- مدل مفهومی

علاوه بر موارد فوق، درست جنگیدن و تداوم نبرد مستلزم داشتن موارد ذیل هم بوده است.

#### الف) داشتن صبر و حوصله و استقامت

یکی از تجربیات دوره‌ی جنگ تحمیلی آن بود که امام خمینی<sup>(ره)</sup> برای ترسیم وضعیت غلبه بر دشمن می‌فرمودند: «این جنگ اگر ۲۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم». هم‌چنین ایشان می‌فرمودند: «تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است، این است که باید در مأموریت‌های خودتان استقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید». (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲ و ۴) در جای دیگر ایشان می‌فرمایند: «ما امروز باید تحمل کنیم باید صبر کنیم. فاستقم کما امرت و من تاب معک (سوره هود، آیه ۱۱۲). (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۵۴) این سخن امام، داشتن صبر و حوصله و تمرکز نمودن بر مسأله‌ی اول کشور را که همان جنگ بود به همه یادآور می‌شد تا در درازمدت بتوان با برنامه‌ریزی، وقت گذاشتن و پیگیری نتیجه‌ی مطلوب را گرفت.

#### ب) در اولویت قرار گرفتن مسأله‌ی جنگ

گرچه با آغاز جنگ، شرایط فوق‌العاده در کشور پدید نیامد و بخش‌های زیادی از کشور از جمله مرکز و شرق ایران خیلی در معرض آسیب‌های جنگ قرار نگرفت، با این وجود امام خمینی<sup>(ره)</sup> سعی کردند موضوع دفاع را به عنوان مسأله‌ی اول کشور معرفی کرده و به آن بپردازند. ایشان در همان هفته‌ی اول جنگ خطاب به ملت ایران فرمودند: «امروز روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ‌زده کمک نمایند. امروز روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۴۳ و ۴).

ایشان هم‌چنین با گذشت حدود یک سال از شروع جنگ فرمودند: «از ملت عزیز و خصوص دست‌اندرکران و قوای مسلح می‌خواهم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحه‌ی همه‌ی امور قرار دهند که دست‌های خیانتکار برای انصراف آنان از جنگ در کار است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۴۱). ایشان باز در سال آخر جنگ می‌فرمایند: «جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳۲۱).

ایشان در دیدار نوروزی در جمع مسئولان کشور در چهارم فروردین ماه ۱۳۶۵ می‌فرمایند: «امروز بر همه‌ی ما واجب است که دفاع کنیم. هرکس می‌تواند باید جبهه برود و هر که نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۵)

بنابراین، در دوران دفاع مقدس، بسیج تمام منابع و ظرفیت‌ها برای به نتیجه رساندن سرنوشت جنگ، موجب سوق یافتن تمام فعالیت‌ها به سمت آن می‌شد.

### ج) ایجاد فرهنگ متناسب با نیاز دفاع

در جبهه، فرهنگ فردگرایی و تک محوری تبدیل به یک حرکت جمعی و انجام کار گروهی شد و بسیاری از خلقیات ناپسند و مذموم از جمله خودخواهی، جزم‌نگری، تعصب بی‌جا، حسادت، جای خود را به صداقت، پارسایی، شجاعت و فداکاری داد. آفرینش چنین فرهنگی در موفقیت جبهه‌ها نقش مؤثری ایفا کرد. بین اندیشه و قدرت دفاعی و نیز بین اندیشه و پیشرفت رابطه وجود دارد. ریشه‌ی مشکل عدم پیشرفت در کشور به مسائل فرهنگی بر می‌گردد. منظور از مسائل فرهنگی مجموعه‌ی عادت‌ها، عقاید و ارزش‌هاست که به صورت موروثی به نسل بعد منتقل می‌شود (House, 3-10: 37 (1)). هر نسلی وامدار فرهنگ گذشته‌ی خود است و بخشی از آموزه‌ها، آداب و رسوم و طرز فکرهای گذشتگان را به ارث می‌برد. پیروزی‌های ایران در پی تحول فرهنگی در جبهه‌ها پدید آمد و برخی از شکست‌ها نیز در پی برداشت‌های غلط از مدل موفقیت اتفاق افتاد. فرهنگ ایثار و نترسیدن از مرگ و استقبال از شهادت از دستاوردهای مهم دوران دفاع مقدس است.

### د) سخت‌کوشی

در دوران دفاع مقدس هدف هر رزمنده انجام تکلیف الهی خود بود و به خاطر عشق به خدا با علاقه و پشتکار به تلاش برای مقابله با دشمن ادامه می‌داد. موفقیت هر رزمنده در انجام وظیفه‌ی الهی موجب موفقیت کل جبهه می‌شد. شرایط دشوار جنگ ایجاب می‌کرد که فرماندهان و رزمندگان از تمام ظرفیت وجودی خود برای غلبه بر دشمن استفاده کنند و زمان حضور خود در میدان نبرد را به صورت شبانه‌روزی درآورند. در چنین شرایطی می‌بایستی از فرصت زمانی حداکثر بهره‌برداری می‌شد. یک لحظه بی‌توجهی و غافلگیری باعث غلبه‌ی قوای خصم می‌گردید و

هوشیاری و خسته نشدن راه را برای مقابله با دشمن باز می‌کرد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این باره می‌فرماید: «باید با قدرت به پیش برویم و با قدرت با همه‌ی کسانی که می‌خواهند به ما تجاوز و تعدی کنند مبارزه کنیم.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۴۹۷).

#### ه) یادگیری و تقلید درست

جبهه‌های جنگ به دانشگاهی بزرگ برای آموختن و یادگیری تبدیل شده بود. رزمندگان علاوه بر آن که چگونگی استفاده از سلاح‌های مختلف و نیز تاکتیک‌های جنگیدن با دشمن را یاد می‌گرفتند از فضایل اخلاقی یکدیگر نیز تقلید می‌کردند. فرماندهی هر یگان با رفتار خود اسوه‌ای برای سایر رزمندگان بود. برای مثال، می‌توان به فرماندهان شهیدی هم‌چون مهدی باکری، حسین خرازی، ابراهیم همت، مهدی زین‌الدین اشاره کرد که تأثیر زیادی بر هم‌زمان خود داشته‌اند. افرادی وجود داشتند که وقتی به جبهه آمدند، حتی کار با سلاح انفرادی را نمی‌دانستند، ولی با گذشت زمان و یادگیری از محیط جنگ نه تنها پس از مدتی می‌توانستند از انواع سلاح‌ها استفاده کنند که خود به طراحان بزرگ عملیات‌ها تبدیل شدند و توانستند در جنگ با دشمن از مؤثرترین تاکتیک‌های جنگی استفاده کنند.

در مجموع می‌توان با ارثه‌ی مدلی به شکل یک چند وجهی، عوامل موفقیت در دوران دفاع مقدس را به تصویر کشاند. به هر حال اولین و مهم‌ترین عامل را باید در اراده‌ی جنگی و قدرت تصمیم‌گیری امام خمینی<sup>(ره)</sup> دانست که موجب شد، رزمندگان هم‌چون بنیانی مرصوص در برابر تجاوز ارتش عراق بایستند. خداوند می‌فرماید: «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص» (سوره‌ی صف، آیه‌ی ۴). به‌جز امام خمینی، فرماندهانی که در جبهه پدیدار شدند، با ابتکار عمل و استفاده از روش‌های علمی طرح‌ریزی عملیات‌ها توانستند یک فرماندهی میدانی قوی را به نمایش بگذارند.

حال با توجه به تجربیات فوق به تشریح مختصر وضعیت امروز ایران می‌پردازیم تا با عنایت به این شرایط، چگونگی تعیین راه‌کارهایی برای برون‌رفت از آن و حرکت به سوی پیشرفت را بررسی نماییم.

## نگاهی به وضعیت امروز ایران

ایران از جمله کشورهایی است که علی‌رغم غنای طبیعی، فرهنگ اسلامی و دسترسی به منابع معدنی بسیار ارزشمند از جمله نفت و گاز، هنوز از نظر پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، اداری، فناوری و اجتماعی در زمره‌ی کشورهای کمتر توسعه یافته‌ی جهان به شمار می‌رود و با تمامی مشکلات اقتصادی معمول در جهان سوم روبه‌روست. از اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ میلیاردها دلار درآمد حاصل از نفت به اقتصاد کشور تزریق شده است، اما ایران هنوز دارای درآمدی مستقل از عایدات نفت نیست و کشور بیش از پیش به درآمدهای نفتی وابسته شده است. در سال‌های اخیر رشد اقتصادی ایران که بر اساس اهداف سند چشم‌انداز باید به متوسط ۸ درصد می‌رسید نه تنها تحقق نیافته است، بلکه یک سیر به‌نسبت نزولی را طی کرده و در سال ۱۳۸۸ به زیر ۲ درصد رسیده است. با رشد اقتصادی کمتر از ۴ درصد، اقتصاد ایران به سختی قادر خواهد بود که ۴۰۰ هزار شغل در سال ایجاد کند. معنی این عدد این است که با روند جاری، سالانه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر به تعداد بیکاران کشور افزوده می‌شود. (نیلی، ۱۳۸۹) در شرایط فعلی نرخ بیکاری و تورم که بر مبنای سند چشم‌انداز قرار بود تک رقمی گردد، دو رقمی است. رکود اقتصادی موجب افزایش بیکاری به خصوص در سطح جوانان و تحصیل کردگان شده است. البته با این وجود شتاب رشد ارائه‌ی مقالات علمی نسبت به متوسط جهانی افزایش یافته است. ولی تراز تجاری بهبود نیافته و دولت برای پایین نگه داشتن قیمت کالاها دست به واردات گسترده و تزریق ارز به بازار که ضد تولید است می‌زند. رشد نقدینگی نه تنها مهار نشده بلکه از رقم ۹۰ هزارمیلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۲۶۰ میلیارد تومان در حال حاضر رسیده است. میزان سرمایه‌گذاری خارجی علی‌رغم مزیت‌های فراوان به‌ویژه در حوزه‌ی نفت و گاز در مقایسه با عربستان با جذب ۴۰ میلیارد دلار و ترکیه با ۲۷ میلیارد دلار در حد بسیار پایینی قرار دارد. این در حالی است که سالانه ۵۰ میلیارد دلار سرمایه برای توسعه‌ی بخش نفت و گاز در طی برنامه‌ی پنجم توسعه مورد نیاز است. با تحقیقاتی که اقتصاددانان انجام داده‌اند و جمع‌بندی آنها در کتاب مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران آمده است، در مجموع می‌توان گفت که حجم اقتصاد ایران کوچک است و مشکلاتی هم‌چون «کمبود تولید کل ناخالص ملی» و «پایین بودن تولید سرانه»، «کاهش نسبی تشکیل سرمایه»،



«بیکاری»، «عقب‌ماندگی بافت فنی تولید»، «رکود اقتصادی به همراه تورم»، «ساختار نامناسب تولید»، «وابستگی تولید و مصرف به دنیای خارج» و «محدود بودن ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری» اقتصاد ایران را رنج می‌دهد. (عظیمی، ۱۳۸۵: ۸۷ - ۱۱۵ و ۱۲۹ - ۱۵۹)

### مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تدوین الگوی پیشرفت

در طول تاریخ، تلاش‌های بسیاری برای شکل دادن به فرایند پیشرفت پایدار و درون‌زا در ایران صورت گرفته است که با افت و خیزهای بسیاری همراه بوده است، اما هم‌چنان مسأله‌ی اول مردم ایران موضوع پیشرفت در حوزه‌های مختلف اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. با مصاحبه با ۳۰ تن از صاحب‌نظران در حوزه‌ی مسائل مربوط به توسعه و عقب‌ماندگی و نیز مطالعه کتابخانه‌ای نتایج ذیل حاصل شده است:

از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی مردم ایران، عدم برنامه‌ریزی مدون و درازمدتی بوده است که اکثر نخبگان جامعه بر انجام آن به اجماع رسیده باشند. عقب‌ماندگی جامعه‌ی ایران در بعضی حوزه‌ها موجب شده است تا همیشه ایرانیان دغدغه‌ی رسیدن به جوامع توسعه‌یافته را داشته باشند و گاهی با وارد کردن صنایع پیشرفته، علوم و فناوری‌های نوین و فنون جدید بخواهند، خود را به سرعت به آنان برسانند. طبیعی است که برای رسیدن به پیشرفت بایستی به مبانی فکری و ارزش‌هایی که پشت سر نهادهای پیشران ترقی و پیشرفت هستند توجه کرد. مهم‌ترین این ارزش‌ها عبارت از «فهم درست از اسلام»، «حق آزادی انتخاب»، «روشن بودن حق مالکیت فردی» و «حق اعتراضات علیه نابسامانی‌ها» است. مسأله‌ی دیگر بر می‌گردد به نگاه سیاستمداران و مدیران حاکم برجامعه که چه برنامه‌ای برای پیشرفت دارند. آیا به مبانی و عوامل ایجاد پیشرفت در جامعه معتقدند یا آنها را مغایر با امنیت ملی و تداوم حکومت خود ارزیابی می‌کنند. مسأله‌ی دیگر ارزش قائل شدن برای کارآفرینان بزرگ است به گونه‌ای که آنها به عنوان شخصیت‌های بزرگ ملی مورد توجه و تقدیر قرار گیرند. همان‌طور که فرماندهان دفاع مقدس در دوران جنگ بیشتر از سیاستمداران در بین مردم شناخته می‌شدند، باید فضایی را فراهم کرد که در جامعه‌ی آماده شده برای پیشرفت، کارآفرینان بزرگ بیشتر از سیاستمداران ارج و قرب داشته باشند. ثروتی که یک

کارآفرین با بنیان‌گذاری یک صنعت بزرگ برای دیگران ایجاد می‌کند، ده‌ها یا صدها برابر ثروتی است که برای خودش ایجاد کرده است. کارآفرین شغل‌هایی را که به‌صورت زنجیره‌ای به هم مربوطند و درآمد ایجاد می‌کنند به‌وجود می‌آورد که نقش مهمی در واقعیت اقتصادی جامعه دارد. تغییر نگاه به تولید ثروت از ضروریات پیشرفت هر جامعه‌ای است. در جهان امروز ثروت، کالا و پدیده‌ی جدیدی است که می‌تواند بدون غارت سرمایه‌ی فکری و جسمانی دیگران به‌وجود آید. تا این نگاه تغییر نکند، فضا برای رشد کارآفرینان ایجاد نخواهد شد و ریاکاری و دورویی شیوع پیدا خواهد کرد. دوری از اقتصاد دولتی و رفتن به سمت رقابت آزاد موجب حذف رانت‌خواری و ثروت‌های بادآورده می‌شود و در چنین فضایی است که کارآفرینان رشد می‌کنند و سیستمی پدید می‌آید که در آن افراد کارآفرین پرورش می‌یابند و ابتکارات شخصی بروز می‌کند. بدین منظور، باید در اندیشه‌ی ایجاد طبقه کارآفرین‌های بزرگ در کشور بود تا آنها نیروی محرکه‌ی جهش به سوی پیشرفت باشند. یکی از ضروریات مهم سیاست‌گذاری، ملاحظات آینده‌نگری است. نگاه به آینده از منظر زمان حال، امکان ابتکار عمل در مواجهه با پدیده‌ها را به سیاستگذاران می‌دهد که می‌توانند با کمک آن از بروز مشکلات کنترل نشده احتراز نمایند و غافلگیر نشوند. توجه جدی به «واقعیت‌ها» و «قطعیت‌ها» در سیاستگذاری می‌تواند از مواجهه شدن منفعلانه با «عدم قطعیت‌ها» جلوگیری نماید. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تدوین الگوی پیشرفت را به شرح ذیل برشمرد.

#### ۱) فرهنگ درست

تحول در نظام فرهنگی جامعه از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و رشد هر جامعه‌ای می‌باشد. فرهنگ شامل مفروضات اساسی در مورد نظم محیط، نوع نگاه تصمیم‌گیران به پدیده‌ها و روش‌های مواجهه با مسائل و حل آنهاست (Booth, 2005). بدین منظور، باید بعضی از باورهای فرهنگی غلط حذف و کمرنگ و برخی دیگر ریشه‌های مستحکم و قوی بیابد. از جمله:

الف) اعتقاد راسخ به قرآن مجید و عترت پیامبر<sup>(ص)</sup>، به‌عنوان مبنای اساسی تدبیر و رفتار مردم و دولتمردان قرآن در باره فلسفه‌ی نزول خود می‌فرماید: «کتاب انزلناه الیک

مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» (سوره ی ص، آیه ی ۲۹). یعنی کتاب مبارکی به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبر کنی و صاحبان خرد متذکر شوند. پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> در آخرین وصیت خود به ابنای بشر می‌فرماید: «انسی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱). یعنی من دو چیز گران‌بها قرآن و عترتم را در بین شما می‌گذارم. پس آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. امام علی<sup>(ع)</sup> از سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> و تقلین به عنوان ستون استوار و چراغ پر فروغ یاد کرده و در وصیت خود فرموده است: «اقیموا هذین العمودین و اوقدوا هذین المصباحین» (شهیدی، ۱۳۷۴: ۱۴۵). هم‌چنین امام خمینی<sup>(ره)</sup> در باره‌ی قرآن می‌فرماید: «اگر قرآن نبود باب معرفت الله بسته بود الی الابد» (صحیفه امام، جلد ۱۷، ۱۳۷۸: ۴۳۳).

ب) اعتقاد واقعی به علم، به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین وسیله در حل و فصل مشکلات رفاهی، مادی و اقتصادی کشور. بسیاری از افراد در حرف زدن و سخن گفتن به تمجید از علم و معرفت می‌پردازند، ولی در عمل چندان به آن پایبند نیستند. خداوند در این باره می‌فرماید: «ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلاً» (سوره ی اسراء، آیه ی ۳۶). یعنی چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن. همانا گوش و چشم و دل از همه‌ی آنها بازخواست خواهد شد. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح». یعنی کسی که بدون تکیه بر علم کاری را انجام می‌دهد، بیش از آنچه اصلاح کند فساد ایجاد می‌نماید (الحرانی، ۱۳۸۴: ۸۵). البته پذیرش علم به عنوان مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی به جامعه کمک کند، به معنی آن نیست که نسخه‌های پیچیده شده برای حل مشکلات کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند مبنای حل مسائل بومی ما باشد. بلکه به این مفهوم است که علم بیش از آن که به ما حل مسأله و حل مشکل را ارائه دهد، چگونگی پیدا کردن راه حل را به انسان‌ها می‌آموزد. از طرف دیگر علم در حوزه‌ی مسائل اجتماعی بر ویژگی‌هایی دست می‌گذارد که به دلیل اتکا

بر «فروض بسیار ساده» از «قدرت شمول» بسیار برخوردارند. بنابراین، علم «چارچوبی» فراهم می‌کند که در محدوده‌ی آن، «راه‌حل‌های بومی» برای حل مسائل پیدا می‌شود. به هر حال علم، حاصل انباشت تلاش‌های «چارچوب‌دار» دانشمندان در اقصی نقاط جهان است، در طی گذشت نسل‌هاست که جایگزینی ندارد و محروم شدن از به‌کارگیری آن، تنها راه «سلیقه و روزمرگی» را برای مواجهه با مسائل باز می‌کند. البته علم را می‌توان متناسب با شرایط و ویژگی‌های هر جامعه‌ای کاربردی‌تر کرد.

**ج) اعتقاد به برابری و آزادی انسان‌ها:** از دیدگاه اسلام، انسان آزاد آفریده شده است و با آزادی کامل می‌تواند سرنوشت خود را رقم بزند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» (سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۳). یعنی ما راه را به انسان نشان دادیم، یا سپاسگزاری و یا کفران می‌کند؛ و یا می‌فرماید: «الم نجعل له عینین و لسانا و شفیتین و هدیناه النجدین» (سوره‌ی بلد، آیات ۱۰ - ۸). یعنی آیا برای انسان دو چشم و یک زبان و دو لب قرار ندادیم؟ و او را به دو راه مشخص ره نمودیم. بنابراین، انسان موجودی است آزاد، مختار و مواجه با هدایت الهی که می‌تواند راه خود را از بین هدایت و ضلالت انتخاب کند.

در اعصار گذشته، نژادپرستی‌ها و طبقه‌بندی انسان‌ها به اشراف و ارباب و رعیت موجب عقب‌افتادگی جوامع شده بود. پیشرفت معنوی جوامع از زمانی آغاز شد که پیامبران همه‌ی انسان‌ها را برابر دانستند و برای عبادت خداوند آنها را در کنار هم در یک صف جماعت نشانند. البته باید توجه داشت که گاهی اوقات برداشت‌های غلط از اسلام و دین خدا موجب عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های مذهب برای پیشرفت می‌گردد.

**د) اعتقاد به رعایت حقوق دیگران:** احترام به حقوق دیگران سفارش دائمی پیامبر عظیم‌الشأن و ائمه‌ی بزرگوار اسلام بوده است. امام علی<sup>(ع)</sup> در وصیت‌نامه‌ی خود مرقوم فرموده اند: «و علیکم بالتواصل والتبازل و ایاکم والتدابیر و التقاطع» (شهیدی، ۱۳۷۴: ۳۲۱). یعنی بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن و مبادا از هم، روی بگردانید و پیوند با هم را بگسلانید.

ه) اعتقاد به ارزش و تقدس کار و نظم‌پذیری جمعی؛ در قرآن به انجام کار درست یا عمل صالح اهمیت فراوانی داده شده است. برای مثال، «من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها و ما ربک بظلام للعبید» (سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۶). یعنی هر کسی که کار شایسته کند به سود اوست و هر که بدی کند به زیان اوست و پروردگار تو نسبت به بندگان ستمکار نیست. هم‌چنین خداوند می‌فرماید: «و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین» (سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۳). یعنی کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک انجام دهد و گوید من از مسلمانانم. در مورد نظم، امام علی (ع) در آخرین وصیت خود پس از ضربت خوردن می‌فرماید: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم» (شهیدی، ۱۳۷۴: ۳۲۱). یعنی شما و همه‌ی فرزندانم و کسانم و هر کس که نوشته‌ی من به او رسد به ترس از خدا و نظم در کارها و آشتی با یکدیگر سفارش می‌کنم.

## ۲) مدیریت و نظام کشورداری مناسب

یکی از موانع اساسی جهت پیشرفت در کشورهایی که با نظام متمرکز و دیوان‌سالاری گسترده اداره می‌شوند، وجود قوانین و مقررات زیاد و پیچیدگی آنهاست. ساده‌سازی هرچه بیشتر قوانین و مقررات و استفاده از ضوابط فنی در امور قانون‌گذاری، سازماندهی، اجرا و نظارت می‌تواند راه را برای آسان‌سازی فعالیت‌های مولد فراهم سازد. نظام اداری کشور باید به گونه‌ای طراحی و اجرا گردد که بر مبنای آن مشارکت فعال قشرهای مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی غیرتخصصی تضمین گردد. از سوی دیگر نظام اداری کشور باید به گونه‌ای باشد که در آن پیشرفت افراد به میزان تلاش و استعداد آنها گره بخورد و کسالت و تنبلی از جامعه رخت بریندد. همانطور که قرآن می‌فرماید: «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» (سوره‌ی نجم، آیات ۳۹ و ۴۰). یعنی برای انسان جز آنچه تلاش کرده است نیست و حتماً کوشش او بزودی دیده خواهد شد. پس نظام اداری کشور باید بری از فساد و ویژه‌خواری باشد تا همه‌ی افراد به دنبال افزایش تلاش‌ها و فعالیت‌های خود جهت نیل به سعادت باشند. تشکیلات اداری،

مالی و اجرایی کشور از ابزارهای بسیار توانمند و مؤثری است که در سیاست‌گذاری پیشرفت کشور باید مورد توجه قرار گیرد. باید تشکیلات اداری کشور با اهداف پیشرفت کشور هماهنگ و سازگار گردد و شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولین جایگزین رفیق‌سالاری و گروه‌سالاری و فامیل‌سالاری در مشاغل مهم گردد.

### ۳) نظام مناسب اقتصادی

از آنجا که الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید بتواند اقتصاد کشور را متحول نموده و رشد تولید ناخالص داخلی را به حداکثر برساند؛ بنابراین، به‌منظور نیل به پیشرفت در حوزه‌ی اقتصادی بایستی فعالیت‌های تولیدی در جامعه از دخالت‌های مستقیم دولت رهایی یافته و از ضوابط کنترلی و نظارتی دولت آزاد شود. از سوی دیگر با اتخاذ خط‌مشی تعدیل قیمت‌ها هر نوع تلاش و کوشش برای افزایش فعالیت‌های آحاد جامعه مقرون به صرفه شده و رقابت مثبت در مسابقه‌ی خیرات اتفاق بیفتد. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فاستبقوا الخیرات» (سوره بقره، آیه ۱۴۸ و سوره مائده، آیه ۴۸) یعنی به کارهای نیک سبقت بگیرید. بنابراین، ساختارهای بنیان گرفته در جامعه‌ی صنعتی و ماقبل صنعتی در ایران بایستی به ساختارهای متناسب با جامعه‌ی اطلاعاتی و دانش بنیان تغییر یابد. ساختار ناسالم اقتصادی در کشور موجب شده است تا اکثر تولیدات داخلی نیازمند ارز خارجی باشد و تولید ارز هم به‌طور کامل به تولید نفت وابسته است. بنابراین، کشور بهشت واردات کالاهای خارجی می‌شود؛ همان‌طور که در سال‌های اخیر واردات کشور به بیش از ۶۰ میلیارد دلار در سال افزایش یافته است. بنابراین، تجارت خارجی بایستی در خدمت تولید داخلی گسترش یابد تا مدار توسعه‌نیافتگی اقتصادی تداوم نیابد. بدین منظور اقدامات ذیل را می‌توان در جهت طراحی نظام اقتصادی کارآمد انجام داد.

(۱) توانمندسازی بخش خصوصی و اقتصاد مردمی جهت رهاسازی دولت از تصدی‌گری؛

(۲) اتخاذ سیاست خارجی پویا، فعال و توسعه‌ی تعامل در روابط بین‌المللی به‌منظور استفاده

از ظرفیت‌های بین‌المللی برای پیشرفت؛

- ۳) اجرای کامل قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جهت فعال کردن آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور؛
- ۴) کوچک و مناسب‌سازی اندازه‌ی دولت به منظور چابک‌سازی و کاهش هزینه‌ها و مخارج دولت؛
- ۵) آزادسازی بازارهای کالا و خدمات، پول، سرمایه و کار به منظور توسعه‌ی رقابت سازنده؛
- ۶) تولید آمار و اطلاعات مورد نیاز و قابل اعتماد برای برنامه‌ریزی جهت پیشرفت؛
- ۷) اصلاح قوانین از جمله قانون کار، تأمین اجتماعی، تجارت و مالیات جهت افزایش انگیزه‌های تولیدی؛
- ۸) تصویب قوانین پشتیبان مورد نیاز پیشرفت؛
- ۹) تلاش برای بهبود رتبه‌ی ایران در اقتصاد و در فضای مساعد کسب و کار در سطح جهان؛
- ۱۰) ساده‌سازی و کاهش قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و پالایش قوانین موجود.

شاید بتوان گفت که یکی از نیروهای محرکه و پیشران‌های مؤثر در پیشرفت هر جامعه‌ای توسعه‌ی اقتصادی و رفاه مردم می‌باشد. بنابراین، توجه به طراحی نظام اقتصادی مناسب که بتواند تولید ثروت در جامعه را به یک ارزش ملی تبدیل کند و کار کردن را به صورت یک فرهنگ همگانی درآورد و پول کار مردم را سر سفره‌هایشان بیاورد، می‌تواند پیشرفت در سایر حوزه‌ها را تسهیل نماید. بدیهی است که از ثروت باید برای سود جامعه بهره برد و نباید از آن برای ایجاد سلطه و فساد و اسراف استفاده کرد. در این باره قرآن می‌فرماید: «ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله وللرسول و لذی القربى والیتامى والمساکین و ابن السبیل کى لا یكون دوله بین الاغنیاء منکم» (سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷). یعنی آنچه خدا از اموال ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، خاص خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه مانده است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

#### ۴) تحول در آموزش‌های تخصصی و توسعه‌ی تربیت آحاد افراد جامعه

برای نیل به پیشرفت، نیاز به تعلیم و تربیت همه‌ی افراد جامعه و تلاش برای توسعه‌ی علمی کشور است. پیامبر اسلام (ص) در آغاز رسالت خود برای تحول در جامعه‌ی عرب بدوی که جز شمشیر و شتر با چیز دیگری سر و کار نداشت، مأمور به تزکیه و تعلیم مردم شد. قرآن می‌فرماید: «هو‌الذی بعث فی‌الامیین رسولاً یتلوا علیهم آیاته و یتزکیهم و یعلمهم‌الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین» (سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲). یعنی اوست کسی که در بین درس ناخوانده‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها می‌خواند و آنها را پاک می‌سازد و به آنها کتاب و حکمت می‌آموزد و به‌طور حق که از پیش در ضلالت آشکاری بودند. برای تحول در نظام آموزش تخصصی کشور لازم است تا آموزش‌های کاربردی حرفه‌ای و فنی محور اصلی تعلیم و تربیت قرار گیرد. در وضع فعلی جهان بایستی با افزایش سرعت اینترنت و گسترش زیربناهای اطلاع‌رسانی علمی، ذخایر علمی و فناوری جهان را به داخل کشور منتقل و آنها را به اطلاعات علمی و فنی قابل استفاده در سطح جامعه و مراکز علمی و دانشگاهی تبدیل کرد. از سوی دیگر تبادل اطلاعات علمی با مراکز جهان و تعاملات علمی می‌تواند بر غنای علمی کشور بیفزاید.

#### ۵) انباشت سرمایه‌ی معنوی و فیزیکی

به‌منظور انباشت قدرت سرمایه‌گذاری ملی، لازم است که دولت از تخصیص درآمدهای ناشی از فروش ثروت ملی مانند نفت و گاز و سایر منابع طبیعی به مصارف روزمره‌ی غیر توسعه‌ای خودداری نماید. در این زمینه لازم است سازوکارهایی طراحی و به‌کار گرفته شوند که مصارف غیرحیاتی جامعه به حداقل ممکن کاهش یابد. بدین منظور، باید تجارت خارجی کشور به گونه‌ای هدایت گردد که مصرف کالاهای غیرحیاتی و کمتر ضروری در مقابل پسانداز و سرمایه‌گذاری گران‌تر شود و مردم به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر تشویق گردند.



## ۶) حفظ ثبات کشور

وقوع حوادث سیاسی یا بروز جنگ‌ها در هر کشور چند سالی بنیادهای قبلی اقتصادی و فرهنگی جامعه را در هم می‌ریزد و چند سالی هم طول می‌کشد تا با ساختن مبانی جدید حرکت به سمت پیشرفت آغاز گردد.

در دوران دفاع مقدس پیشرفت مهمی در افزایش روحیه‌ی معنوی رزمندگان حاصل شد و جامعه از فرهنگ تولیدشده در جبهه که بر فداکاری و ایثار استوار بود بهره‌ی فراوانی برد، اما وقوع جنگ تحمیلی، پیشرفت در بعضی از حوزه‌ها از جمله اقتصاد و رفاه عمومی را در کشور مختل و در بعضی حوزه‌ها از جمله معنویت و خوداتکایی صنعت نظامی را افزایش داد. با پایان جنگ دوره‌ی ثبات و سازندگی در کشور آغاز شد و امکان ورود به فضای پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، علمی، فناوری، اداری و... فراهم آمد.

اکنون با گذشت نزدیک به ربع قرن از خاتمه‌ی جنگ، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، برنامه‌ای را به‌منظور جهش به‌سوی پیشرفت آغاز نماید. گرچه لازم است تا مشکلات و مسائل بین‌المللی به گونه‌ای مدیریت گردد که تحریم‌های سازمان ملل مانعی برای پیشرفت کشور محسوب نگردد و ایران به عنوان موضوع تهدید امنیت جهانی تلقی نگردد.

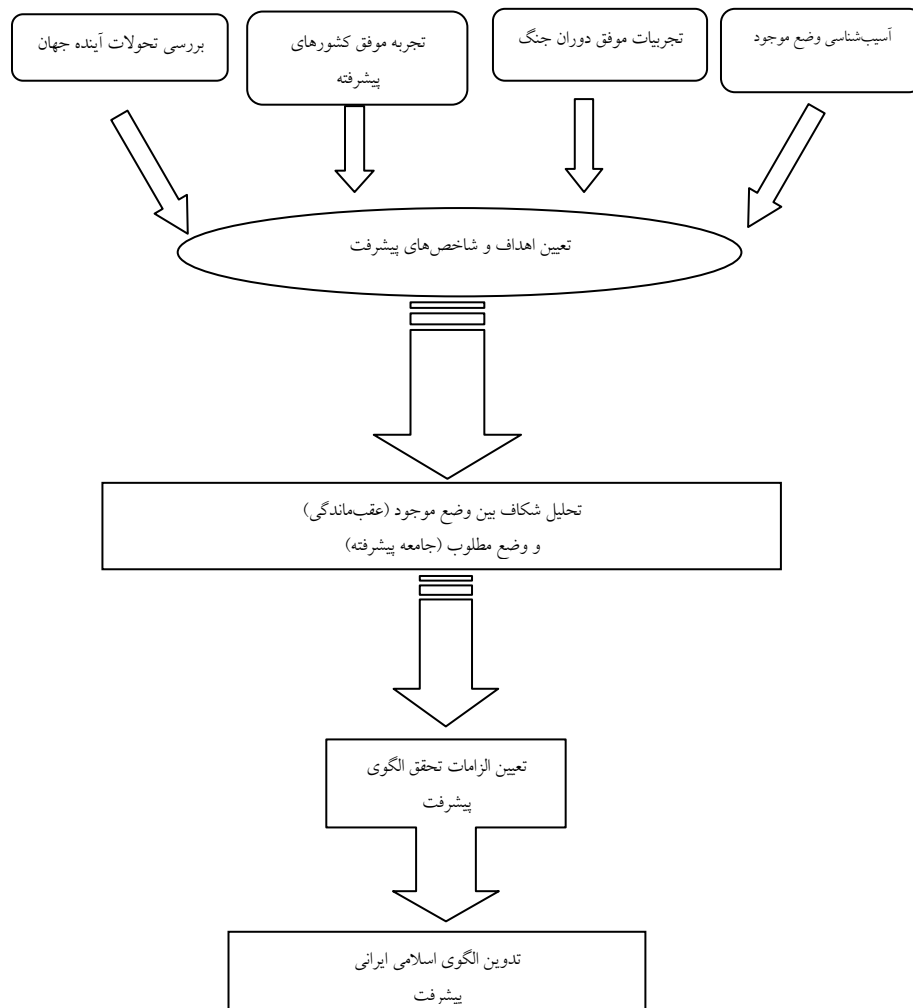
به هر حال، با حرکت به سمت پیشرفت، فرهنگ مردم توسعه‌یافته و تلاش برای ایجاد یک جامعه‌ی مبتنی بر فضائل اخلاقی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی فقر نسبی که ضد عدالت است کاهش می‌یابد و خوداتکایی در نیازهای اساسی مردم به‌وجود می‌آید.

### مبانی نظری برای تدوین الگوی پیشرفت

شرایط گوناگون از جمله شرایط تاریخی، جغرافیایی، طبیعی، انسانی، فرهنگی، سرزمینی، زمانی و مکانی در ایجاد الگوها و مدل‌های پیشرفت تأثیر دارد. ممکن است یک الگوی پیشرفت برای کشوری مطلوب و همان الگو برای کشور و اقلیمی دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، الگوی واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که بتوان همه‌ی اجزای آن را ایجاد و در کشوری پیاده کرد. رسیدن به الگو یک امر تدریجی و تکاملی است که در نتیجه‌ی تعاملات و در خلال گذشت زمان

شکل می‌گیرد و یک نوع انضباط ذهنی را برای تدوین‌کنندگان آن پدید می‌آورد. به نظر می‌رسد که برای تدوین الگوی پیشرفت مراحل به شرح ذیل باید طی شود.

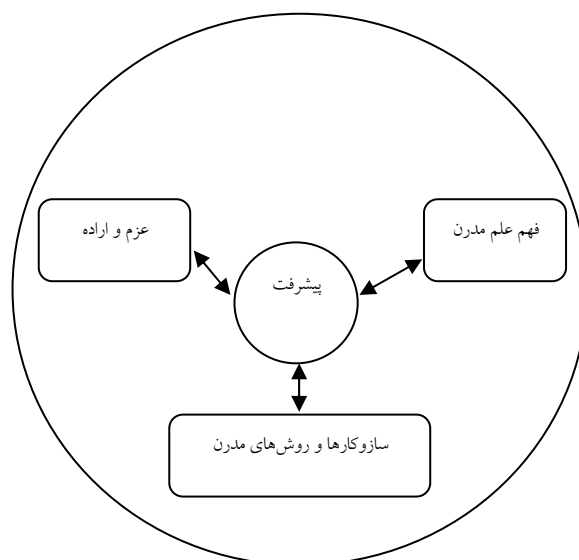
- ۱) آسیب‌شناسی وضع موجود کشور مبتنی بر روند نیم قرن گذشته در ایران؛
  - ۲) بررسی وضع موجود و تجربه‌ی موفق کشورهای پیشرفته و مشخص کردن نقائص، اشکالات، نقاط ضعف و قوت آنها؛
  - ۳) آینده‌پژوهی و پیش‌بینی تحولات آینده‌ی جهان و مقایسه‌ی کشور با دنیای پیشرفته در عصر جهانی شدن؛
  - ۴) مشخص کردن اهداف و شاخص‌های جامعه‌ی پیشرفته‌ی ایرانی؛
  - ۵) روشن کردن مزیت‌هایی که عامل پیشرفت ایران در گذشته‌ی تاریخ بوده است؛
  - ۶) بررسی اشکالات الگوهای به‌کار رفته تاکنون برای اصلاح اختلالات و دستیابی به پیشرفت یا سرعت بخشیدن به آن؛
  - ۷) تحلیل شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب یا وضع مقدر و به‌عبارتی تحلیل شکاف بین عقب‌ماندگی و جامعه‌ی پیشرفته‌ی مورد نظر؛
  - ۸) تعیین الزامات و بسترهای تحقق الگوی پیشرفت؛
  - ۹) تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
  - ۱۰) تجدیدنظر و بازنگری در الگوی طراحی شده با توجه به گذشت زمان و تغییر شرایط. فرایند فوق بایستی به‌ترتیب و به‌طور مرتب طی گردد و با گذشت زمان مورد بررسی و مطالعه‌ی مجدد قرار گیرد و به‌هنگام گردد.
- به‌منظور سرعت در فهم مطالب فوق و نشان دادن ترتیب اجرایی آن، الگوی مفهومی در شکل (۲) ارائه می‌گردد. این الگو وارد محتوی نشده است، بلکه به ساختارها، فرایندها، روش‌ها و ارتباطات می‌پردازد.



شکل شماره ۲- الگوی مفهومی پیشرفت

تفاوت در جهان‌بینی و معیارهای ارزشی و نوع و ماهیت هدف‌ها، شیوه‌ها و روش‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مقایسه با الگوهای حاکم بر جهان در نیم قرن اخیر یعنی الگوهای تجربه‌شده‌ی سوسیالیستی، مارکسیستی، نئومارکسیستی و مائوسیستی تا الگوهای رشد و توسعه‌ی سرمایه‌داری می‌تواند، فضای شفاف‌تری را برای تشخیص محتوای طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

فراهم آورد. حال این سؤال مطرح می‌شود که برای شتاب بخشیدن به فرایند پیشرفت، از کجا باید آغاز کرد و چه مراحل را باید طی نمود؟ اگر علم، فرهنگ و معنویت را عامل اصلی پیشرفت در همه‌ی جوامع به حساب آوریم، رفع موانع پیشرفت علمی می‌تواند فرایند حرکت در مسیر پیشرفت را ایجاد نماید. شناخت مشکلات، نارسایی‌ها و موانع می‌تواند به شناخت وضع موجود کمک کند و راه خروج از آنها را تعیین کند. در کشور ایران می‌توان سه مانع اصلی و کلان را به عنوان موانع توسعه‌ی علمی برشمرد. اولی تصور خام داشتن از علم و یا عدم درک درست از «مفهوم علم مدرن» است. با فهم علم مدرن، نسبت انسان با طبیعت عوض می‌شود. انسان به جای جستجو درباره‌ی ماهیت طبیعت به دنبال بهره‌برداری از مواهب آن می‌گردد و بنابراین، تغییر تفکر علمی می‌تواند باعث توسعه‌ی علم و سپس موجب راه افتادن فرایند پیشرفت گردد. مانع دوم عدم وجود «عزم لازم» برای توسعه‌ی علمی است. عزم و اراده راه‌کار پیشرفت علمی را فراهم می‌سازد. مانع سوم عدم شناخت «ساز و کار سیاستگذاری علمی» در کشور است. سازوکارهای مدرن که بسیار پیچیده است موجب علم‌سازی و تولید علم می‌گردد. بنابراین، با توجه به نکات فوق می‌توان الگویی به شکل زیر را ارائه نمود.



شکل شماره ۳- مدل مفهومی سازوکارهای علم‌سازی

## نتیجه‌گیری

در دنیای امروز دغدغه‌ی پیشرفته بودن نوعی جهان‌بینی است. بیهوده انگاشتن و عبث پنداشتن زندگی، موجب عقب‌ماندگی می‌شود. مهم‌ترین موضوع در بسترسازی جهت حرکت به جلو که اساس و ستون پیشرفت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد، نظام باورها، هنجارها و جهان‌بینی و فرهنگ یک جامعه است. علاقه‌ی به کار و فعالیت و دوری از کسالت و تنبلی لازمه‌ی پیشرفت سریع است که با اصلاح فرهنگ و نگرش‌ها امکان‌پذیر است. مسأله‌ی بعدی اصلاح ساختارهای حاکمیتی و برخورداری ملت از یک دولت کارآمد است. بسترسازی برای پیشرفت، وظیفه‌ی دولت‌هاست. دولت‌ها با وجود ساختارهای سنتی و کهنه نمی‌توانند وظیفه‌ی پیشبرد امر پیشرفت را بر عهده بگیرند. بنابراین، ساختار اداری و مدیریتی کشور باید به گونه‌ای تنظیم شود که سرمایه‌گذاری‌های فکری، علمی، معنوی و اقتصادی در کشور به صرفه گردد. نظام رفتاری حکومت باید به روش و شیوه‌ای برنامه‌ریزی شود که همه افراد به فکر آوردن سرمایه‌های انسانی و فکری خود به کشور باشند و جامعه از آنچنان احساس امنیتی برخوردار باشد تا انسان‌ها بدون نگرانی و ابهام از رفتارهای پیش‌بینی نشده، به افزایش سرمایه‌های معرفتی و مادی خود در متن فعالیت‌های جامعه بپردازند. به هر حال پیشرفت هر جامعه‌ای، به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد و محصول انباشت علم، فرهنگ و معنویت است. در این مقاله چگونگی بهره‌گیری از درس‌ها و تجربیات دوران دفاع مقدس برای تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت ارائه گردید و مشخص شد که مبانی علمی در طرح‌ریزی‌های عملیاتی از مؤلفه‌های مهم موفقیت بوده است. جنبش علمی محصول مصرف و به‌کارگیری علم در همه‌ی حوزه‌هاست. هر چه از علم بیشتر استفاده شود، بیشتر تولید می‌شود. نیاز و کشش تقاضا موجب مصرف و استفاده از علم می‌شود. وجود نهادهای علمی مدنی، بهره‌گیری از علم و حرکت در مرزهای دانش را میسر می‌سازد. جذب علم در فرهنگ، مدیریت و اقتصاد، فرایند حرکت به سمت پیشرفت را فراهم می‌سازد. رسوب دانش در حوزه‌ی عمومی، علم را به ثروت، قدرت، سیاست، هنجار، سیادت و منزلت اجتماعی تبدیل می‌کند و موجب پیشرفت جامعه می‌گردد. ویژگی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت این است که سازوکارها را به گونه‌ای طراحی می‌کند که ضمن به فعلیت رساندن

ظرفیت‌های موجود، با کمترین هزینه، بیشترین بهره را از امکانات موجود به‌دست می‌آورد. در این شرایط است که می‌توان برای دستیابی به هدف‌های مورد نظر امکانات کافی را فراهم آورد. (2009 : 270-279) Jahnson، بنابراین، پیشرفت جمهوری اسلامی و شکوفاسازی معنوی، علمی، دفاعی و اقتصادی ایران براساس الگوی اسلامی- ایرانی امکان‌پذیر است، اما این کار جز با برخورد صحیح به مسأله و تدوین مجموعه‌ی سازگار راهبرد و برنامه‌ی پیشرفت و اجرای درست چنین برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست. البته تنظیم نقشه‌ی جامع پیشرفت کشور بر اساس مبانی اسلام و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی ضروری است. از آنجا که بنابر اندیشه‌ی اسلامی، انسان مبدأ هرگونه تغییر در سرنوشت خویش است، پس برای ایجاد پیشرفت باید تحولی در دیدگاه افراد به‌وجود آید و هرکس طالب ترقی و پیشرفت باشد و آن را بخواهد. به تعبیر قرآن: «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱) بدون تغییر در بینش و باورها و فرهنگ افراد و امیال و آرزوهای آنها امکان پیشرفت در جامعه فراهم نمی‌شود. تعریف شفاف و ضابطه‌مند از الگوی پیشرفت ایجاد یک باور همگانی در میان نخبگان و عموم مردم در خصوص ضرورت تعیین الگوی صحیح پیشرفت است. به‌منظور شروع حرکت به سمت پیشرفت باید فضایی را در جامعه، دولت و در قوانین و مقررات ایجاد کرد که به‌طور خودکار در آن شرایط، فرایند پیشرفت اتفاق افتاده و به‌وجود آید. از نظر اقتصادی به چنین اقدامی، ایجاد فضای مناسب کسب و کار می‌گویند. اصولاً به آن دسته از عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی که خارج از اراده و اختیار مدیران و مالکان بنگاه‌هاست و نمی‌توانند آنها را تغییر داده یا بهبود ببخشند، فضای کسب و کار می‌گویند. شاخص فضای کسب و کار یکی از مؤلفه‌های مهم برای جذب انواع سرمایه‌ها و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران فکری و مالی و صنعتی محسوب می‌شود. وجود فضای مناسب پیشرفت، موجب جذب استعدادها و نخبگان جامعه و عدم گرایش مغزها به ترک کشور می‌شود. در فضای نامناسب کسب و کار، رشوه و فساد افزایش می‌یابد و اقتصاد غیر مولد رشد می‌کند. به هر حال تدوین هرگونه الگوی پیشرفت متضمن منافع تمامی آحاد ملت است و باید بتواند نشاط زیادی را برای جامعه‌ای فعال و پویا ایجاد نماید؛ به گونه‌ای که هیچ کس خود را پوچ و بی‌هوده احساس نکند و به‌عنوان عضوی مولد از جامعه تلقی گردد. بنابراین، هدف نهایی

از پیشرفت، رسیدن به فلاح و رستگاری انسان است. با تدوین الگوی پیشرفت می‌توان آن را هر از چند گاهی مورد بازبینی و تجدید نظر قرار داد و شرایط مستحده را در آن منظور نمود. در مجموع برای نیل به پیشرفت، دولتمردانی لازم است که جهانی فکر کرده و متناسب با فرهنگ ملی اقدام، تا بتوانند کشور خود را به خوبی مدیریت کنند و ایرانی پیشرفته و قدرتمند و با ثروت ملی بالا در عرصه‌ی خاورمیانه پدید آورند.

### پیشنهاد

تا تهیه‌ی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت لازم است که در سطح دولت در اولویت اول و در سطح تمام دستگاه‌های اجرایی یک «طرح راهبردی»<sup>۱</sup> جهت حرکت به سمت پیشرفت تدوین گردد و مدیرانی انتخاب گردند که بتوانند با چنین دانشی از روزمرگی فاصله گرفته و مجموعه‌ی خود را جلو ببرند و به پیشرفت کشور بیندیشند. از سوی دیگر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید به گونه‌ای تدوین گردد و به مرحله‌ی اجرا درآید که به‌عنوان تجربه‌ای موفق بتواند مورد استفاده‌ی سایر کشورها قرار گیرد و خود یک الگو برای ملت‌های دیگر باشد. همان‌طور که شیوه‌ی دفاعی ایران در دوران دفاع مقدس به‌عنوان تجربه‌ی گران‌سنگی برای توسعه‌ی مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین کارآمدی خود را نشان داده است و جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه توانسته رژیم صهیونیستی را با ناکامی مواجه سازد. هم‌چنین لازم است تا نهاد یا دستگاهی با مشارکت اندیشمندان و اقتصاددانان برجسته به مطالعات آینده‌پژوهی در کشور پردازد و در مورد وقوع مسائل در آینده از پیش هشدار دهد و جهت پیشرفت کشور و نیز نیروی محرکه‌ی پیشرفت را متناسب با اوضاع و احوال ایران و جهان تعیین نماید. به هر حال لازم است تا یک نوع اجماع در بین نخبگان کشور در مورد الگوی چگونگی دستیابی به پیشرفت فراهم آید.

1- Strategic Plan

## منابع

### فارسی

- ۱- عظیمی، حسین، (۱۳۸۵)، «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران»، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.
- ۲- «سند چشم انداز ۲۰ ساله»
- ۳- قرآن مجید، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران، آوای قرآن، ۱۳۸۸
- ۴- «ارشاد القلوب»، (۱۳۷۴)، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۵- صادقیور ابوالفضل، (۱۳۷۱)، «نظریه‌ی جدید سازمان، مدیریت و علم مدیریت»، تهران، چاپ هشتم.
- ۶- تودارو، مایکل، (۱۳۶۹)، «توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم.
- ۷- «فرهنگ آریانپور»، (۱۳۸۴)، تهران، کتابسرا.
- ۸- موسایی، میثم، (۱۳۸۰)، «اسلام و فرهنگ توسعه»، تهران، نشر سرزمین ما.
- ۹- فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۴)، «درآمدی بر توسعه‌ی پایدار در عصر حضور»، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۰.
- ۱۰- غلامعلی، رشید، (۱۳۷۵)، «بررسی روند شکل‌گیری استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- ۱۱- حبیبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، «دشت آزادگان در جنگ»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- ۱۲- «صحیفه امام»، (۱۳۷۸)، جلد‌های ۱ تا ۲۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۳- رشید، غلامعلی، (۱۳۸۶)، «در باره فتح خرمشهر»، فصلنامه فرهنگ پایداری، سال سوم، شماره ۹.
- ۱۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴
- ۱۵- «وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی»، (۱۳۶۹)، تهران، مرکز فرهنگی رجا.
- ۱۶- سایت شخصی آیت الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳.



۱۷- ابو محمد، شعبه الحزانی، (۱۳۸۴)، «تحف العقول عن آل الرسول»، ترجمه احمد جنتی، تهران.

۱۸- نیلی مسعود، پایگاه اطلاع رسانی رستاخ، ۱۳۸۹

#### انگلیسی

- 19-- Marien,Michaeil (April-May2002), "**Future Studies in the 21<sup>st</sup> Century:A Reality-Based Vieww, Futures**".
- 20-House, R., Javidan, M., Hanges, P., Dorfman, P., (2005). "**Understanding cultures and implicit leadership theories across the globe: an introduction to project GLOBE**". Journal of World Business 37 (1).
- 21-Jahnsn,Thomas,Mickey Howard.Jeo Miemczyk (2009), "**UK Defence Change and the Impact on Supply Relationships, Supply Chain Management**": An International Journal, vol 14, Issue4.
- 22-Booth,Ken(2005), "**Strategic Culture: Validity and Validation**", The Oxford Journal on Good Governance,vol.2,No1.

